



از خانه تا سیاه خانه جایگاه معماری در سیاه چادر کوچ نشینان

نجمه حساس

دانشجو کارشناسی ارشد مرمت و احیا بناهای تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

Plakat341@yahoo.com

چکیده

عشایر به تبع نوع زندگی و ضرورت‌های زیستی، سکونت‌گاه‌هایی با مشخصات ویژه دارند که در هماهنگی کامل با شرایط حاکم بر زندگی آنان است. این چادرها که طی قرن‌ها به عنوان بهترین و به بیانی مناسب‌ترین سرپناه‌های عشایر مطرح بوده اند به دلیل سهولت در برآوراشتن، تهیه کردن و حمل و نقل کاملاً سازگار با این شیوه زندگی هستند. این سازه بومی سکونت‌گاهی چهارفصل است که با اندک تغییراتی، خود را با فصول مختلف هماهنگ می‌گرداند و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های هنری نیز توجه شده و به خوبی نوعی از تکنولوژی بومی اصیل و ابتكار را به نمایش می‌گذارد. در تقسیم‌بندی فضای داخلی این سکونت‌گاه بومی، از فضا به بهترین وجه استفاده شده است و کمترین هدر رفتن فضا را شاهد هستیم. تقسیم‌بندی فضاهای آن ریشه در تجربیات، اعتقادات و باورهای فرهنگی از جمله در نظر گرفتن مسائلی نظیر محرومیت مردم دارد. این سازه از مصالح بوم آورد و در تطابق با شرایط زیستی حاکم به وجود آمده است و یک سازگاری با محیط خشن و غیر قابل پیش‌بینی زندگی عشایر دارد، که در بر دارنده استراتژی کاملاً هدف‌گرایانه مبتنی بر آگاهی و تفکر است. مطالعه حاضر به روشنی نشان می‌دهد سیاه چادر، تمامی تعاریف و معانی خانه را دارد، با حداقل هزینه و با ظاهری ساده ولی کارایی بسیار بالا و ایده‌آل. این پژوهش برگرفته از فصل‌های پایان نامه نویسنده با عنوان حفاظت از سیاه چادرهای عشایر قشقایی فارس است که موفق به ثبت ملی این سازه در فهرست آثار ملی ایران شده، تنظیم گردیده و اساس تحقیقات بر پایه شناخت تاریخ، جایگاه و معانی خانه و تطبیق و بررسی این مفاهیم با سیاه چادرهای عشایر و علت نام گذاری سیاه خانه بر این سازه و تحلیل معمارانه آن است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی است که به صورت پرسش نامه، مصاحبه و مشاهده انجام گرفته و این تحلیل‌ها بر روی سیاه چادرهای عشایر قشقایی فارس طایفه کشکولی بزرگ به عنوان نمونه صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: سیاه چادر، کوچ نشینی، خانه، سیاه خانه، سرپناه.